

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

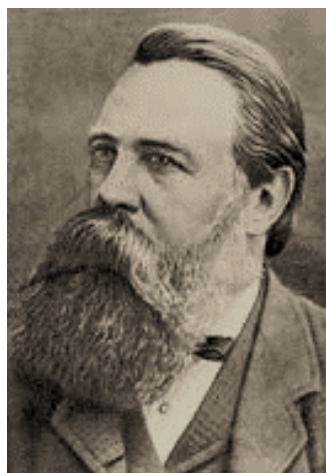
afgazad@gmail.com

Political

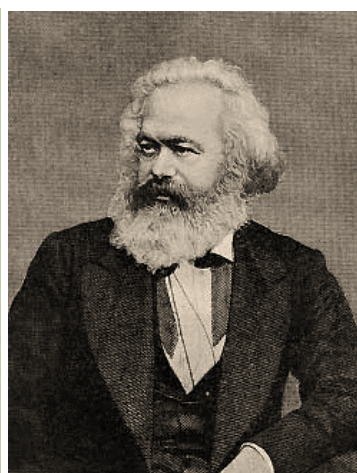
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۱۲ مارچ ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۳۲

۵۸- کارل مارکس : فرازی از یادداشتهای گاه شمار

۱۱۷۰... هنری دوم رفتن به ایرلند را برای بارون ها و کنت هایش ممنوع اعلام کرده است، آنانی که در آنجا به سر می برند باید بازگردند، در غیر این صورت از تیول هایشان محروم خواهند شد.

۱۱۷۱... استرونگبو^۱ تبعیت کرد، او ملک ایرلندی اش را به تیول پذیرفت، هنری دوم از این فرصت استفاده کرد و با ناوگان و سپاه نرماند و همه خدمتگذاران (واسال های) سواحل غربی انگلستان در ساحل ایرلند لنگر انداخت و جزیره (ایرلند) را به یکی از استانهای سلطنتی اش تبدیل کرد (۱۱۷۱). شاهزاده های منطقه را مجبور کرد که از او تبعیت

¹ Strongbow

کنند، و پیوندش را با روحانیت ایرلند با معاف کردن آنان از وظایف پیشینشان تضمین کرد، یعنی معافیت روحانیت از پذیرائی و جای دادن به شاهزاده ها و اربابان جزیره طی مسافرت‌هایشان (از این پس روحانیت در تحکیم فرمانروائی انگلیس در ایرلند کوشید). ایرلند فرصتی بود برای ماجراجویان انگلیس تا از جیب مردم گیلیک تبار بومی ثروت به چنگ آورند. به ویژه به یمن چنین روندی بود که ایرلند به مستعمره انگلستان تبدیل شد.

نوشته کارل مارکس ۱۸۷۱

منتشر شده برای نخستین بار در گزیده آرشو مارکس و انگلس. جلد ۵

۵۹- فردریش انگلس : درباره مسأله ایرلند

جنبش جاری در ایرلند متشکل از دو جریان است. نخستین و در عین حال قدیمی ترین جریان روستائی است، و همین جریان منشای راهزنی سازمان یافته نیز می باشد که از پشتیبانی دهقانان یا رؤسای خاندان روستائی [در ایرلند] برخوردار می شدند که انگلیس ها و هم پیمانان مالکان بزرگ کاتولیک املاکشان را غصب کرده بودند (در سده ۱۷ این راهزن ها را توری^۲ می نامیدند که منشای نام توریهای امروزی ست)، ولی این جریان تدریجاً در مقابل نفوذ جنتلمن های انگلیس در اشکال محلی و منطقه ئی به مقاومت خود به خودی دهقانان تبدیل شد. نام های ریبونمن^۳ (اعضای یک انجمن سرّی)، وایت بویز^۴ (پسران سفید پوش)، کاپیتان راک^۵ (ناخدای صخره ها)، کاپیتان مون لایت^۶ (ناخدای ماه رخشان) و مانند اینها هر یک شکل مقاومت را تغییر داده اند : قتل هائی که قربانیان فقط مالکان منفور و مأموران مالیات بگیر آنان نبودند، بلکه می توانست دهقانی باشد که زمینی را در اختیار داشته که یکی دیگر را از آن رانده بودند، بایکوت، نامه تهدید آمیز، حمله شبانه با تهدید و مانند اینها، جملگی به همان اندازه قدیمی هستند که مالکیت ارضی انگلیس های امروزی در ایرلند و به پایان سده هفدهم باز می گردد. این نوع از مقاومت مهار نشدنی ست و با اعمال خشونت نمی توان آن را خاموش کرد، و فقط با از بین رفتن منشای آن از بین خواهد رفت. ولی به دلیل سرشت موضعی و پراکندگی اش هرگز نمی تواند به شکلی از اشکال مبارزه سیاسی عمومی تبدیل شود.

اندکی پس از اتحاد (۱۸۰۰)^۷ مخالفت لیبرال ملی بورژواهای شهر نشین و به همچنین بخش روستائی کشور و شهرهای

² Tories (طرفداران فلسفه سیاسی محافظه کار بریتانیایی)

³ Ribbonmen

(کلمه Ribbon به معنای روبان) دهقانان شمال ایرلند از پایان سده هفدهم در بطن انجمن های سرّی گردهمائی تشکیل دادند. نشان آنها روبان سبز بود. شکلی از اعتراض مردمی علیه اربابان زمین و بیرون راندن زمین دارها بود. ریبونمن ها املاک مالکان را غارت می کردند و جان مالکان و منفورترین مباشران نیز در معرض سوء قصد آنان بود. جنبشی پراکنده بود که نقشه راه مشخص و منسجمی نداشت.

⁴ White boys

پسران سفید پوش، اعضای جنبش دهقانی ایرلند بودند که در سالهای ۱۷۶۰-۱۷۵۰ شورش عظیمی علیه استبداد مالکان انگلیس بر پا کردند. «پسران سفید پوش» که به ویژه شبانه عمل می کردند، چهره خودشان را سیاه می کردند و پیراهن سفید می پوشیدند. با گذشت زمان، این جنبش به مبارزه دائمی علیه مالکان انگلیس زمین و علیه مأموران مالیات مذهبی (dime) تبدیل شد. با وجود این، انجمنهای سرّی پسران سفید پوش محلی و هر یک جداگانه عمل می کردند. در سده نوزدهم اغلب آنان در جنبش ریبونمن ها ادغام شدند و برخی دیگر تا پایان سده نوزدهم همچنان به حیات خودشان ادامه دادند.

⁵ Captain Rock

کاپیتان راک (ناخدای صخره ها) اسم مستعاری بود که برای اعضای انجمن های سرّی دهقان ایرلندی به کار می بردند که در میانه سده هجدهم به وجود آمدند و جنبش آنان تا اواسط سده نوزدهم ادامه یافت. این انجمن ها علیه فرمانروائی انگلیس مبارزه می کردند.

⁶ Captain Moonlight

ناخدای ماه رخشان (کاپیتان مون لایت) اخطاریه هائی را که ریبونمن ها برای مالکان انگلیس می فرستادند امضا می کرد.
⁷ منشور اتحاد در اول جنوری ۱۸۰۱ به اجراء گذاشته شد، این اتحاد در واقع پس از شکست شورش ایرلندیها در سال ۱۷۸۸، به آنان تحمیل

فقیر شروع شد، برای مثال، رؤسای مادرزادش را در دنمارک بین وکلا جست و جو کرده بود. ولی جملگی به سهم خودشان به دهقانان نیازمند بودند، در نتیجه ضروری بود شعارهائی اختراع کنند که برای دهقانان قابل قبول باشد. به این ترتیب است که اوکونل برای پاسخگویی به چنین نیازی شعارهائی کاتولیک، و بعد الغای منشور اتحاد را پیشنهاد کرد. بی شرمی مالکان زمین در این اواخر موجب تغییر جهت شد. در حالی که در زمینه اجتماعی اتحادیه کشاورزی^۸ در پی اهداف انقلابی تر است: یعنی حذف کامل مالکان مهاجم، از دیدگاه سیاسی میانه رو به نظر می رسد و فقط خواهان مقررات محلی است یعنی پارلمان محلی ایرلند که در کنار پارلمان بریتانیا بوده و از آن تبعیت می کند. این ساز و کار در عین حال از طریق قانون اساسی قابل دسترسی ست. مالکان وحشت زده فریاد می کنند که وقت آن است که برای حفظ میانه روی باز خرید زمین دهقانان شروع شود. از سوی دیگر گلاستون اعلام کرد که اعطای خودمختاری بیشتر به ایرلند قابل قبول نیست.

این دو جریان پس از جنگ داخلی امریکا به فنیانیسم روی آوردند. صدها هزار سرباز و افسر ایرلندی که در این جنگ شرکت داشتند، انگیزه و پیش زمینه فکری شان آماده کردن ارتشی برای آزادی ایرلند بود. اختلاف بین انگلستان و امریکا که پس از جنگ داخلی امریکا بروز کرد در واقع اهرم اصلی فنیان ها بود. به محض این که بین دو کشور جنگ بر پا شد، ایرلند می بایستی طی چند ماه به یکی از اعضای ایالات متحده امریکا و یا دست کم زیر چتر حمایتی این کشور قرار بگیرد. مبلغی که انگلستان بر اساس رأی دادگاه ژنیو پرداخت آن را با کمال میل برای ماجرای آلاباما^۹ پذیرفت، در واقع بهای عدم مداخله امریکا در ایرلند بود.

در نتیجه، بزرگترین خطر مرتفع شد. برای رسیدگی به حساب فنیان ها پولیس کافی بود. خیانت اجتناب ناپذیر در هر توطئه ای حضور داشت ولی فقط از رؤسا منشأ می گرفت که بعداً به جاسوس و شاهد دروغین تبدیل شدند. برخی از آنان مانند اوکونل به امریکا رفتند و در آنجا انقلاب مهاجران را راه اندازی کردند و دچار ورشکستگی شدند. با اطمینان می توانیم بگوئیم که امروز بسیاری از فنیانها بازگشته اند و سازمان مسلح قدیمی را بازسازی کرده اند.

شد. منشور ۱۸۰۱ آنچه را که از خود مختاری کشور باقی مانده بود و پارلمان آن را منحل کرد. در سال های ۱۸۲۰ انحلال اتحاد به مردمی ترین دستور روز ایرلندی ها تبدیل شد. با وجود این، اوکونل O'Connell و دیگر لیبرال های بورژوا، رؤسای این جنبش فقط از دولت بریتانیا خواستار واگذاری بخش ناچیزی به بورژواهای ایرلندی بودند. پس از توافق با ویگس ها Whigs (نیکان لیبرال های امروزی)، اوکونل از هر گونه تبلیغات دست کشید. در مقابل فراخواستهای مردم، لیبرال های ایرلندی در سال ۱۸۴۰ انجمن Repeal of Union انحلال اتحاد را بنیانگذاری کردند و هدفشان ایجاد سازمانی بود که از طریق آن بتوانند با طبقه رهبران انگلیس معامله کنند.

^۸ اتحادیه کشاورزی (اتحادیه کشاورزی ملی ایرلند) سازمان توده ئی در سال ۱۸۷۹ به کوشش میچل دیویت Michell Davitt دموکرات خرده بورژوا بنیانگذاری شد. این اتحادیه طبیف وسیعی از دهقانان و شهرنشینان فقیر را گردآوری می کرد و از پشتیبانی بورژواهای ترقی خواه برخوردار بود. فراخواست های آنان در زمینه کشاورزی ترجمان اعتراض مردم ایرلند علیه ستم مالکان و به طور کلی علیه انگلیس ها بود. با وجود این در بطن این اتحادیه اتفاق نظر وجود نداشت. در نتیجه، رؤسا با بایکوت مالکان ارضی و مأموران دولت انگلیس و تبلیغ برای عدم پرداخت اجاره زمین زراعی موافق بودند، ولی اعمال قاطعانه تر (غارت و سوء قصد به مالکان زمین) را محکوم می کردند. آنان خواهان ملی کردن زمین و در عین حال باز خرید آن را از سوی دهقانان جایز می دانستند. ناسیونالیست های بورژوا (پارنل Parnell و دیگران) می خواستند فعالیت اتحادیه را به مبارزه به سوی مقررات محلی هدایت کنند، یعنی برای کسب نوعی خود مختاری ایرلند در بطن بریتانیا، از این سیاست ناکارآمد استفاده کردند. اتحادیه در سال ۱۸۸۱ ممنوع اعلام شد ولی تا ۱۸۹۰ ادامه یافت. سپس این اتحادیه به ابتکار لیبرالهائی که با دولت انگلیس به توافقات رسیده بودند به اتحادیه ملی ایرلند تغییر نام یافت و به همین شکل تا پایان سده نوزدهم فعال بود.

^۹ ماجرای « آلاباما » اختلاف بین ایالات متحده امریکا و انگلستان. در جنگ داخلی امریکا از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ انگلستان به دولتهای مدافع برده داری بخش جنوبی کمک نظامی می کرد. برای حفاظت از کارگاه های پارچه بافی و جلوگیری از رشد صنایع امریکا، دولت بریتانیا برای جنوبی ها کشتی های جنگی و جنگ افزار می ساخت که برای ایالات شمالی خطر بزرگی بود. به این ترتیب، « آلاباما » ۷۰ کشتی ایالات شمالی را غرق کرد. جنگ که خاتمه یافت، دولت امریکا درخواست خسارت کرد. در ۸ مه ۱۸۷۱ هیأت واشنگتن پرونده شکایات را به دادگاه ژنیو فرستاد که متعاقباً بریتانیا به پرداخت ۱۵،۵ میلیون دالر محکوم شد. انگلستان پذیرفت ولی مشروط به این امر که ایالات متحده امریکا در امور ایرلند مداخله نکند و از انقلابی های ایرلندی نیز پشتیبانی نکند.

فنیانها عنصر پر اهمیتی را در جنبش تشکیل می دهند و لیبرالها را واداشتند تا با انرژی بیشتری اقدام کنند. ولی توفیق بیشتری به جز ترساندن جان بول^{۱۱} به دست نمی آورند. گرچه [بریتانیا] [جان بول] در حومه امپراتوری اش به شکل محسوسی تضعیف شده، ولی در اینجا، تا این اندازه نزدیک به در خانه خودش، بی هیچ مشکلی قادر به سرکوب هر گونه شورش ایرلندی خواهد بود. ابتداء در ایرلند ۱۴۰۰۰ ژاندارم مسلح به تفنگ و سرنیزه آموزش دیده در هنرهای نظامی اسکان داده شده اند. سپس نزدیک به ۳۰۰۰۰ سرباز در صفوف رزمی که در عین حال می توانند به همین اندازه از نیروی شبه نظامی انگلیس برخوردار شوند آماده اند. بی آن که نیروی بحری را به حساب بیاوریم. و می دانیم که جان بول در سرکوب شورش از خشونت وحشیانه بی بدیلی بهره می برد. مگر این که خطر جنگ و یا جنگی از خارج به وقوع بپیوندد، در غیر این صورت شورش ایرلندی ها هیچ شانسی برای پیروزی نخواهد داشت، و در اینجا فقط دو قدرت وجود دارند که می توانند به عنوان خطر [برای جان بول] مطرح باشند: فرانسه و ایالات متحده آمریکا. فرانسه طرف دعوا نیست. در آمریکا نیز احزاب با رأی دهندگان مناسباتی دارند، به آنان خیلی قول می دهند ولی عملاً هیچ کاری نمی کنند. امریکائی ها به هیچ عنوان در این فکر نیستند که برای منافع ایرلندی ها جنگ به پا کنند. و حتا به نفع امریکاست که در ایرلند شرایط به گونه ای باشد که مهاجرت توده ها را تحریک کند. و می بینیم که کشوری که در بیست سال آینده پر جمعیت ترین، ثروتمندترین و قدرتمندترین در جهان خواهد شد به هیچ عنوان مایل نیست دست به ماجراجویی بزند و تحول عظیم داخلی خودش را به خطر بیندازد. بیست سال بعد شیوه بیانی دیگری خواهد داشت.

ولی در صورت خطر جنگ با آمریکا، انگلستان با کمال میل به همه خواسته های ایرلندیها موافقت خواهد کرد... به همه خواسته ها به جز استقلال مطلق، زیرا به دلیل وضعیت جغرافیائی نامناسبترین خواهد بود.

در نتیجه برای ایرلندی ها برای فتح مواضع یکی پس از دیگری فقط اقدام از طریق قانون اساسی باقی می ماند، هر چند عمق اسرار آمیز توطئه مسلحانه نزد فنیانها بتواند مؤثر باقی بماند. ولی فنیانها بیش از پیش به سوی باکونینیسیم^{۱۱} متمایل می شوند، قتل بارک^{۱۲} و کاوندیش^{۱۳} هیچ هدفی نمی توانست داشته باشد به جز ناممکن ساختن توافق بین اتحادیه کشاورزی و گلاستون. در نتیجه، این توافق برای ایرلند در شرایط پیش آمده بهترین راه حل بود. زمینداران «لاند لرد»^{۱۴} ها ده ها هزار دهقان مقروض را اخراج کردند و این کار را نیز غالباً به کمک نیروهای مسلح انجام دادند. نخستین فراخواست امروز باید جلوگیری از تخلیه سیستماتیک ساکنان ایرلند باشد (محکومیت اخراج شده ها این است که یا از گرسنگی بمیرند و یا اجباراً به آمریکا مهاجرت کنند).

گلاستون آماده است تا لایحه ای را تسلیم پارلمان کند که مبنی بر آن سود سهام به گونه ای پرداخت خواهد شد که در اتریش در سال ۱۸۴۸ خدمات فئودالی باز خرید می شد: یک سوم توسط دهقان، یک سوم توسط دولت و یک سوم توسط زمیندار. این راهکاری ست که اتحادیه کشاورزی پیشنهاد می کند. در نتیجه شاهکار پارک فونیکس [ترور کاوندیش و معاون او] کار خیلی احمقانه ای به نظر می رسد و یا دست کم تبلیغ کاملاً باکونینیستی، طبل و شیپور بی هوده ای ست. اگر این کارهای بی هوده مشابه هودل^{۱۵} و نویبلینگ^{۱۵} بی نتیجه می ماند، ایرلند در پروس نیست.

¹⁰ به پاورقی شماره ۳۴۲ مراجعه کنید

¹¹ Bakouninisme

¹² Burke

¹³ Cavendish

در ماه مه ۱۸۸۲، تروریستهای ایرلندی در پارک فونیکس در دوبلین نخست وزیر ایرلند کاوندیش و معاون او برک را به قتل رساندند.

¹⁴ Emil Heinrich Maximian Hödel

۱۸۵۷ - ۱۶ اگست ۱۸۷۸ لوله کش ساکسون در لایپزیک آلمان، که با سوء قصد ناکام مانده علیه امپراتور گیوم اول به شهرت رسید. (مترجم)

¹⁵ Karl Eduard Nobiling

۱۰ اپریل ۱۸۴۸ - ۱۰ سپتمبر ۱۸۷۸ دکتر در فلسفه و آناشیتست المانی. پس از نخستین سوء قصد ناکام علیه گیوم اول توسط ماکسیمیان

باکونینیستها و انقلابی های پر حرف را با کارهای بچه گانه شان رها کنیم و حرکت آنان را در ردیف سوء قصد به جان الکساندر دوم^{۱۶} (روسیه) تلقی کنیم و بگذاریم «انقلاب ایرلند» را اعلام کنند، یعنی انقلابی که هنوز به وقوع نپیوسته است.

یک نکته دیگر درباره ایرلند: هرگز بدون حساب از «سیاستمدار» ایرلندی تعریف و تمجید نکنید، هرگز پیش از مرگش با او متحد نشوید. ساده اندیشی سلنت (celte) و استثمار رایج دهقانان سیاستمداران حرفه ئی ایرلند را به بزهکاری تشویق می کند (زیرا در ایرلند طبقه «باسواد» و به ویژه وکلا اکیداً نان ساده دلی دهقانان را می خورند). اوکونل برای فعالیت شورشگرانه خود ۳۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ (۶۰۰۰۰۰۰ مارک) در سال دریافت می کرد. در تشکیل اتحادی که انگلستان، چنان که می دانیم، با پرداخت یک میلیون لیور استرلینگ رشوه خریداری کرد. یک رشوه خوار را سرزنش کرده بودند که چرا کشورش را فروخته، با خنده جواب می گوید «من خیلی خوشوقتم کشوری برای فروش دارم.»

نوشته فردریش انگلس در سال ۱۸۸۲

منتشر شده در روزنامه Der Sozialdemokrat شماره ۲۹،

۱۳ جولای ۱۸۸۲

۶۰- کارل مارکس: فرازی از یادداشتهای گاه شمار

در ایرلند فراسوی «تحول» آشکارا هدف اصلی جست و جوی بهانه ای بود برای غارت. «اصلاحات» از همان آغاز روی پیشانی اش کلمه غارت حک شده بود، ولی در ایرلند سر تا پا غارت بود. در ایرلند، الیزابت اول^{۱۷} در سطح گسترده به کشتار، غارت و قصابی تداوم بخشیده بود. الیزابت اول همین کشیش های پروتستان را که جانشینانشان هنوز هم هستند به ایرلند فرستاد. شمشیرهایی که بی وقفه به خون آغشته می شد مالیات مذهبی^{۱۸} و زمین را تضمین می کرد. الیزابت اول در انگلستان قانون بی نوایان را به تصویب رساند (در چهل و سومین سال سلطنتش)^{۱۹}، ولی برای

هودل، او نیز به سهم خود در ۲ جون ۱۸۷۸ شانس خود را به آزمون می گذارد و با یک شلیک موفق می شود امپراتور را زخمی کند و پس از فرار با یک گلوله به جمجمه خودش سعی می کند خودکشی کند ولی خودش را زخمی و سه ماه بعد در زندان در اثر جراحاتش می میرد. (مترجم)

^{۱۶} الکساندر دوم در اول ماه مارچ ۱۸۸۱ به دست سازمان انقلابی و غیر قانونی (Norodnaia Volis) «خواست مردم» به قتل رسید.
^{۱۷} مترجم - مارکس در متن از نام Bess استفاده کرده است. می توانیم حدس بزنیم که «بس» باید لقب ملکه الیزابت باشد ولی در فقدان اطلاعات بیشتر ترجیح دادم نام اصلی ملکه انگلستان را به کار ببرم.

^{۱۸} Dîme از سده شانزدهم، ایرلندی ها که کاتولیک بودند باید به کلیسای انگلیکان، پایگاه فرمانروایی انگلستان در کشور، مالیات مذهبی می پرداختند. طبقه حاکم بریتانیای کبیر بر آن بود که امتیازات انگلیکانیسم را حفظ کند. حذف مالیات مذهبی در سال ۱۸۳۸ که زیر فشار توده ها تحقق یافته بود، کاملاً وجهه رسمی داشت، زیرا کلیسا زیر پوشش درآمدی که با افزایش اجاره زمین های کشاورزی تأمین می شد به شکل دیگری بهره کشی می کرد.

^{۱۹} قانون بی نوایان سال ۱۶۰۱ در مقابل فقر فزاینده به تصویب رسید که ناشی از دیوار کشی بین زمین های کشاورزی و بیرون راندن توده های وسیع دهقان بود. این وضعیت وجه مشخصه دوران تراکم اولیه سرمایه در انگلستان است. قانون نام برده و مفاد بعدی وضعیت بینوایان را بهبود بخشید و به فقر زدائی نینجامید که به عکس به تدریج با گسترش سرمایه داری در انگلستان وخیم تر شد.

غار تگرانی که رژیم تأیید می کرد...» انگلستان مکانی بود که می توانستند ارتش هائی بر پا کنند و به ایرلند بفرستند تا برای منافع خودشان بجنگند.» و مشخصاً «اجازه غارت بود که نظامیان انگلیس را به خود جلب می کرد»^{۲۰}.

نوشته کارل مارکس در سال ۱۸۸۳

منتشر شده برای نخستین بار در سال ۱۹۴۵

در گردآوری آرشیو مارکس و انگلس جلد VIII

۶۱- فردریش انگلس گزیده ای از مقاله : «انگلستان در سال ۱۸۴۵ و ۱۸۸۵»

... آزادی بازرگانی به معنای تطبیق هر گونه سیاست مالی و بازرگانی داخلی و خارجی انگلستان با منافع سرمایه داران صنعتی، یعنی طبقه ای که از این پس به نام ملت عمل می کند و این طبقه به شکل جدی دست به کار شد. از این پس هر گونه مانع برای تولید صنعتی بی رحمانه برچیده می شود. نرخ گمرک و نظام مالیاتی تحول یافت. همه چیز در تبعیت از یک هدف یگانه قرار گرفت، ولی مهمترین برای سرمایه داران صنعتی : کاهش بهای مواد اولیه، و، به ویژه، امکانات حیاتی طبقه کارگر، کاهش مخارج برای مواد اولیه و حفظ آن در سطح نازل و کاهش دستمزدها. انگلستان فراخوانده شده بود تا به «کارگاه جهان» تبدیل شود، و دیگر کشورها برای انگلستان باید همانی باشند که ایرلند بود : بازاری برای محصولات صنعتی، منبعی برای مواد اولیه و مواد غذایی. انگلستان، مرکز بزرگ صنایع جهان کشاورزی، خورشید صنعتی که پیرامون آن همواره شماری فزاینده از ماهواره های مولد گندم و پنبه در گردشند. چه چشم انداز با شکوهی ! ...

ادامه دارد

نوشته فردریش انگلس در فوریه ۱۸۸۵.

منتشر شده در کمونویل The commonweal شماره ۲

و در مجله Die Neue Zeit، ۱۸۸۵

²⁰ مارکس از کابت W. Cobbett نقل قول می آورد : «تاریخ پروتستان» «اصلاحات» در انگلستان و ایرلند. لندن ۱۸۲۴